

خامنه‌ای جوان چه رمان هایی می‌خواند؟

رمان مثل آبی که درخاک نرم نفوذ می‌کند، همه جا را می‌گیرد؛ وقت را پر می‌کند اما او رفته رفته به شناخت و جست‌وجوی انسان‌ها، تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و مناسبات نهفته در این داستان‌ها پرداخت و به سوی رمان‌هایی که زمینه تاریخی داشتند کشیده شد. آشنایی او با تاریخ برخی سرزمین‌ها از طریق رمان بود. بعدها اعتقاد خود را در این باب چنین بیان کرد: - هیچ بیانی نمی‌تواند تاریخ را مثل داستان و قصه بیان کند.

وقتی درباره تاریخ با زبان بزره‌نری حرف می‌زنیم، مثل این است که از فاصله ۱۰ هزارپایی زمین، از شهری عکس برمی‌داریم. طبیعتاً ابعاد شهر و خیابان‌های اصلی شهر هم پیداست اما در آنجا آدم‌ها چه کار می‌کنند؟ خوبند؟ بدند؟ فقیرند؟ غنی‌اند؟ راحتند؟ خوانند؟ دعوا می‌کنند؟ می‌رقصند؟ اصلاً هیچ چیز معلوم نیست. تاریخ از آن بالا، از ۱۰ هزارپایی، شهری را عکس‌برداری می‌کند و به ما نشان می‌دهد. یک وقت هست شما وارد شهر می‌شوید،البته همه کوچه‌های شهر رانمی‌توانید ببینید اما ۲-۳ کوچه شهر یا خیابان شهر را می‌روید، با افرادش حرف می‌زنید و از خانه‌ها عکس برمی‌دارید؛ از اتاق‌ها، از اسباب‌بازی بچه‌ها، از بوسیدن یک فرزند توسط مادرش... همه اینها را ترسیم می‌کنید و در یک عکس جلوی مامی‌گذاری البته یک کوچه‌است، خیابان است، همه شهر نیست، اما می‌شود آن را تعمیم داد. این زبان هنر از تاریخ است؛ قصه این است.

کتاب‌هایی چون جنگ و صلح نوشته لی‌یف نیکلایوویچ تولستوی، بینوایان اثر ویکتور هوگو، برخی آثار رومن رولان مانند ژان کریستوف، هر آنچه از الکساندر دومای پدر و پسر ترجمه شده بود، کتاب‌های میشال ژواگو، دن آرام نوشته میخائیل شولوخف، کمدی الهی اثر دانته، آلیگه ری و... را در این دوره و نیز دهه ۴۰ خوند و گاه چون بینوایان را ۲ بار خواند و در ضمیر او به اسم‌نقاشی ماند که سر به آسمان می‌ساید. بینوایان یک مجززه است در عالم رمان‌نویسی... کتاب جامعه‌شناسی است، کتاب تاریخی است، کتاب انتقادی است، کتاب الهی است، کتاب محبت و عاطفه و عشق است.

«کمتر رمانی بود که آن وقت‌ها اسم آورده بشود و من نخوانده باشم». خود احتمال می‌دهد تعداد رمان‌هایی که در مشهد و پیش از حرکت به قم (۱۳۳۷ ش) خوانده است، بیش از هزار عنوان است.

هدایت‌الله بهمودی / شرح اس‌م از:دینگیامه آیت‌الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای
 مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی
 صفحات ۶۹ و ۷۰

پاسخ علامه طباطبایی به یک پرسش

از مرحوم علامه طباطبایی قدس سرّه سؤال کردند که معصوم به درود و صلوات نیازی ندارد، پس چرا باید بر او صلوات بفرستیم؟ ایشان فرمودند: صلواتی که ما می‌فرستیم، به‌اولا از خودمان چیزی اهدا نمی‌کنیم، بلکه به خدا عرض می‌کنیم و از او می‌خواهیم که بر پیامبر و خاندانش علیه‌السلام رحمت ویژه بفرستد. ثانیاً گرچه این خاندان نسبت به ما محتاج نیستند، ولی به ذات اقدس الله نیازمندند و باید دائماً فیض الهی بر آنان نازل شود. ما با این صلوات، خود را به این خاندان نزدیک می‌کنیم. مانند آنکه باغبانی که در باغی که همه گل‌ها و میوه‌هایش ملک صاحب باغ است، کار می‌کند و از صاحب باغ حقوق می‌گیرد، روز عید یک دسته گل از باغ تهیه کند و به حضور صاحب باغ ببرد. آیا عمل او موجب تقرب به صاحب باغ می‌شود یا نه؟ مسلماً می‌شود. این عمل نشانه ادب باغبان است. صلوات هم ادب ما را ثابت می‌کند و الا ما که از خودمان چیزی نداریم، بلکه از ذات اقدس الله مسالت می‌کنیم که بر مراتب و درجات این بزرگواران بیفزاید، و همین عرض ادب برای ما تقرب است.

عبدالله جوادی آملی
توضیه‌ها، پرسش‌ها و پاسخ‌ها
 دفتر نشر معارف – صفحه ۷۸

شهید سیدمحمدباقر صدر جقدر کتاب می‌خواند؟

کسی از استاد شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر می‌پرسد: اگر کسی از شما بپرسد سیدمحمدباقر صدر چطور سیدمحمدباقر صدر شد، چه پاسخی می‌دهید؟ شهید صدر: محمدباقر صدر یعنی ۱۰ درصد مطالعه و ۹۰ درصد اندیشیدن. - شما در روز چند ساعت مطالعه می‌کنید؟ شهید صدر: این طور نپرس؛ بپرس: در شبانه‌روز چند ساعت از عمرت را با کتاب سپری می‌کنی؟ - این ۲ سؤال چه فرقی با هم دارند؟

شهید صدر: اگر از من بپرسی در روز چند ساعت مطالعه می‌کنی، خواهم گفت روزی ۸ یا ۱۰ ساعت اما اگر از من سؤال کنی که چند ساعت با کتاب هستی؟ خواهم گفت: در تمام مدت بیداری با کتاب هستم؛ وقتی در خیابان راه می‌روم، وقتی در مغازه گوشت‌فروشی منتظرم، وقتی سر سفره غذا نشسته‌ام، وقتی در بسترم و می‌خواهم بخوابم، در همه این حالات مسأله‌ای در ذهنم هست و به حل آن فکر می‌کنم. بنابراین من همیشه با کتاب هستم؛ کتاب با من زندگی می‌کند و من هم با کتاب زندگی می‌کنم.

احمد عبدالله عاملی
السیره‌والمسیره فی حقائق و وقائق
 (بیروت: العارف، ۱۴۲۸ ه‍.ق) - ج ۲، ص ۲۹۲

حضرت امیرالمومنین (ع)؛

وقتی کسی پی‌برد که دوستش به چیزی نیازمند است باید قبل از درخواست نیاز او را بر طرف کند و او را وادار به سؤال و درخواست نکند.

اصغر نعیمی، کارگردان «دو روز دیرتر» در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

می‌خواستم شیرین بسازم

فیلم سینمایی «دو روز دیرتر»، به کارگردانی اصغر نعیمی که از ۲۰ آبان ۱۴۰۴ در سینماهای کشور اکران شده، کمدی رمانتیکی است و درباره سهیل و مریم؛ زوج جوانی با بازی سینا مهرداد و پردیس احمدیه که به دلیل سودای مهاجرت از بچه‌دار شدن پرهیز می‌کنند تا اینکه تصمیم غلامحسین (فرهاد آئیش)، برای تقسیم ارث خواهرش بین نوه‌ها، آنها را وادار می‌کند در یک تصمیم عجولانه و خنده‌دار برای ازدودآوری اقدام کنند. در کنار این زوج اصلی، فرهاد آئیش، کمند امیرسلیمانی، ناهید مسلمی، سیدجواد یحیوی، سیاوش چراغی‌پور و محمد فیلی ترکیب بازیگران فیلم را کامل کرده‌اند. اصغر نعیمی، کارگردان و فیلمنامه‌نویس شناخته‌شده‌ای که «بی‌وفا» یکی از موفق‌ترین کمدی‌های رمانتیک دهه ۸۰ را ساخت، پس از سال‌ها تجربه در سینما و ساخت آثاری چون «سلام بر عشق»، «سایه‌های موازی»، «خط استوا» و نگارش فیلمنامه فیلم‌هایی چون «زندگی خصوصی»، «شارلاتان» و «هستانه»، این بار دوباره به ژانر محبوب خود بازگشته تا بدون شعار، از دغدغه‌های نسل جوان حرف بزند.

در گفت‌وگوی اختصاصی با اصغر نعیمی درباره مسیر ساخت «دو روز دیرتر»، از ایده اولیه رضا مقصودی تا تغییر لحن فیلمنامه، انتخاب بازیگران، اصلاحیه‌های پس از جشنواره، وضعیت اکران، آینده کمدی رمانتیک در ایران و پروژه بعدی‌اش صحبت کرده‌ایم.

■ ایده اولیه فیلم از کجا آمد و شما از چه مرحله‌ای به پروژه پیوستید؟

طرح اولیه فیلم توسط دوست عزیزم آقای رضا مقصودی نوشته شده بود و آن طرح به من پیشنهاد شد. من آن طرح اولیه را خواندم، خیلی خوشم آمد و احساس کردم که قابلیت کار دارد، ولی در موردش نظرات و پیشنهاداتی داشتم که موکول شد به مرحله نگارش فیلمنامه. می‌شود گفت از مرحله نگارش فیلمنامه اولیه من به گروه و به پروژه بعدی‌م.

■ طرح اولیه آقای مقصودی با چیزی که الان روی پرده می‌بینیم چه تفاوت‌هایی داشت؟

از آنجا که آقای رضا مقصودی سرگرم تولید پروژه خود «خجالت نکش ۲» بود، ما با آقای حمید اکبری خامنه‌ای که از نویسندگان جوان و خیلی بااستعداد است و من خیلی کارش را می‌پسندیدم، صحبت کردیم که ایشان فیلمنامه را بنویسند. طبیعتاً در این مسیر، با توجه به شرایطی که داشتیم کمی در لحن و جنس کمدی فیلم از طرح اولیه آقای مقصودی فاصله گرفتیم، چون خود من اصرار داشتم اساساً موقعیت‌های کمدی باید ریشه در زمینه‌های واقعی و اجتماعی داشته باشد و خیلی اصرار داشتم که فیلم به نوعی از سینما که همواره مورد علاقه من است، یعنی کمدی رمانتیک، نزدیک‌تر باشد. یک مقدار شاید بشود گفت لحن فیلمنامه در مرحله نگارش طبیعتاً تغییر کرد. عناصر داستان هم در گفت‌وگوهای بین من و آقای اکبری خامنه‌ای شکل گرفت، طراحی شد و پیش رفتیم.

■ در نگاه اول به نظر می‌رسد داستان فیلم بر ۲ موضوع اصلی یعنی «فرزندآوری» و «مهاجرت» استوار است. آیا از پیش اراده‌ای بود که حتماً به مسائل مهاجرت و فرزندآوری پرداخته شود؟

ببینید! من علاقه‌مند بودم فیلمی بسازم که در دل یک داستان شیرین و عاشقانه به مسائل و مشکلاتی که در سطح اجتماع، چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ فرهنگی، یا تقابل سنت با نیازها، خواسته‌ها و دغدغه‌های نسل جوان وجود دارد، بپردازم. طبیعتاً جنبه‌های مختلفی را هم فکر کردیم که باید در این داستان پرورش دهیم؛ بنابراین خیلی قائل به این تیتیر انتخاب کردن برای مضمون فیلم نیستم که بگوییم

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
 مدیر عامل: رضا شکیبایی
 سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
 روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۲۲ | تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ | نمابر: ۶۶۴۱۳۱۳۷ |
 ایمان‌رسان: vatanemrooz@ | پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir |
 چاپ: موسسه جام‌چم برتر بر نا | توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰



پرسیدید چرا سینمای ایران به گونه کمدی رمانتیک خیلی اقبال نمی‌دهد؟ باید بگویم چون معمولاً ساختن یک کمدی رمانتیک خیلی سخت است؛ نوشتن فیلمنامه‌اش، درآوردن لحظه‌هایش، خیلی دشواری‌ها و پیچیدگی‌های خود را دارد، در حالی که به ظاهر سهل و ممتنع به نظر می‌رسد. معتقدم ساختن یک کمدی صرف خیلی راحت‌تر از ساختن کمدی رمانتیک است، چون اساساً رمانتیک قرار یک قصه، تعبیه کردن شوخی‌ها، واقعیت‌های بازه و اندازه آنها، طراحی و اجرای‌شان، انتخاب بازیگر، خیلی باید مینیاتوری و ظریف اتفاق بیفتد. از طرف دیگر ساختن یک کمدی رمانتیک ریسک بالایی دارد؛ امکان اینکه یک رمانتیک بیاید و ناگهان تبدیل به فیلم رکوردشکن خیلی بالای جدول شود، احتمالش کمتر است و به همین دلیل تهیه‌کنندگان ایرانی ترجیح می‌دهند اگر قرار است کمدی باشد و مفرح بسازند، خالص بروند سراغ گونه کمدی. به نظر من این ژانر مهجور، واقع شده، ولی معتقدم اگر در این زمینه کار شود حتماً یکی از ژانرهای اصلی سینمای ایران می‌تواند باشد، چون مخاطبش جوان‌هاست و فیلم‌هایی که این گونه ساخته می‌شوند می‌توانند جوان‌ها را عادت دهند به نوع جدیدی از کمدی.

■ یکی از ارکان مهم سینمای کمدی رمانتیک موسیقی است. در این فیلم با آقای مسعود سخاوت‌دوست همکاری داشتید؛ این همکاری چطور بود؟

این سومین همکاری ما بود و می‌توانم بگویم ایشان یکی از خلاق‌ترین و هنرمندترین افرادی است که در طول فعالیت حرفه‌ای‌ام دیدهام. کاملاً به کاری که می‌کند باور دارم و مهم‌ترین مسأله این است که همیشه با حداکثر انرژی و توان در خدمت فیلم هستند. من هم موسیقی فیلم مخاطب خاص و تلخی مثل «سایه‌های موازی» را با ایشان کار کردم، هم یک سریال اکشن با ایشان کار کردم و هم فیلم «دو روز دیرتر» که یک کمدی رمانتیک است. در هر ۳ این پروژه‌ها تنوع قطعاتی که ساختند، خلاقیت در استفاده از سازها و کیفیت کاری که ارائه دادند برای خود من خیلی جالب و شوهرانگیز بوده است.

■ یکی از وجوه برجسته کارنامه شما فیلمنامه‌نویسی است. شما فیلمنامه آثار مهمی را در کارنامه کاری خود دارید اما در بسیاری از فیلم‌های‌تان از فیلمنامه دیگران استفاده کرده‌اید؛ چرا چنین تصمیمی را گرفته‌اید؟

به نظر من فیلمنامه‌نویسی کار تمام‌وقت است. من نه اینکه اصرار داشته باشم حتماً فیلمنامه‌های دیگران را کار کنم، ولی زمانی که می‌خواهم یک فیلم را بسازم ترجیح می‌دهم فکر و ایده‌هایی را که درباره فیلمنامه دارم به یک نویسنده حرفه‌ای ارائه کنم. چون احساس می‌کنم فکر و ایده‌های آن نویسنده هم می‌آید و این‌جوری می‌شود ۲ تا فکر و ۲ تا جهان که فیلمنامه غنی‌تری را حاصل می‌کند. این دلیل است که من به عنوان یک فیلمساز حرفه‌ای علاقه‌مندم با فیلمنامه‌نویسان حرفه‌ای و خوب کار کنم. از طرف دیگر درباره فیلمنامه‌هایی که برای دیگران نوشتم، گاهی در فراغت کاری از کارگردانی به من سفارش داده شده و در یک چارچوب حرفه‌ای نوشته‌ام، یا در یک مورد فیلمنامه‌ای بوده که من نوشتم و در آن مقطع امکان ساختش فراهم نشده؛ بعد دوستی از من خواسته چون فیلمنامه را خوانده بود در اختیارش بگذارم و من گفتم چرا که نه؛ مهم ساخته شدن فیلمنامه بوده. ولی در مواردی مثل فیلم «هایلایت» خودم فیلمنامه را نوشتم، به هر حال در هر پروژه فکر می‌کنم در آن لحظه چه چیزی به فیلم حاصل نهایی اضافه می‌کند؛ گاهی این تصمیم به معنای این است که من خودم را از فرآیند نوشتن فیلمنامه حذف نکنم، بلکه مسیری ایجاد کنم که یک نویسنده دیگر بیاید و از قابلیت‌های او هم استفاده کنیم.

■ پروژه بعدی‌تان چیست؟
 فیلمنامه‌ای هست که در مراحل پایانی است و خیلی دوستش دارم. فیلمنامه چون الان تقریباً تمام شده، می‌توانم بگویم یک فیلمنامه کاملاً عاشقانه است؛ یک عاشقانه اجتماعی که فکر می‌کنم چیز خوبی شده و تا الان متن خوبی از کار درآمده است، فقط تکمیلش زمان نیاز دارد تا ببینم نتیجه نهایی چه چیزی می‌شود. در همین حد فقط اشاره کنم که فیلمنامه مضمونی عاشقانه دارد که حول محور جوانان می‌گذرد.

بازیگران نه اینکه بگویم به‌سادگی، ولی روی یک روال طبیعی پیش آمد؛ چون تقریباً تمام بازیگرانی که در این فیلم هستند، من دوست داشتم و علاقه‌مند بودم با آنها کار کنم و خیلی خوش‌حالم که این اتفاق افتاد. می‌توانم بگویم تمام بازیگران این فیلم با توجه به لطفی که به من داشتند، انتخاب‌های اول ما بودند. من خیلی بازی خانم پردیس احمدیه را در کارهای قبلی می‌پسندیدم و احساس می‌کردم این نقش برای‌شان نقش متفاوتی است با توجه به شیرینی‌ای که دارد. خانم احمدیه را دعوت کردم و پذیرفت. آقای سینیا مهرداد اصلاً ۲-۳ پروژه بود که می‌خواستم با ایشان کار کنم ولی شرایطش پیش نیامده بود؛ خیلی به نظرم با توجه به سن و سال و انرژی‌ای که دارند برای این نقش مناسب بودند و ایشان هم پذیرفت. درباره نقش غلامحسین با بازی فرهاد آئیش هم همین‌طور. آقای سلیاوش چراغی‌پور را از خیلی قدیم روی صحنه بودم یک بار دیگر با خانم گوهر خیراندیش کار کنم؛ هر دفعه یا به دلیل اشتغال ایشان یا اینکه من نقش مناسبی نداشتم، این اتفاق نمی‌افتاد، ولی این بار ایشان نیز پذیرفت. آقای سیاوش چراغی‌پور را از خیلی قدیم روی صحنه تئاتر می‌شناختم. بازی ایشان را بسیار دوست داشتم و ایشان هم پیشنهاد دادیم و پذیرفت. همین‌طور بقیه بازیگران آقای سیدجواد یحیوی، خانم ناهید مسلمی و... خانم کمند امیرسلیمانی که خیلی سال بود می‌خواستم با ایشان کار کنم و با اینکه نقش خیلی کوتاهی بود، لطف کرد و پذیرفت. از ترکیب بازیگران فیلم خیلی راضی‌ام؛ فکر می‌کنم استاندارد بالایی دارد و خروجی نهایی فیلم به لحاظ کیفیت بازی‌ها بریم رضایت‌بخش بوده.

■ نسخه اکران با نسخه جشنواره تفاوتی دارد؟

خیلی زیاد نه، ولی یک تعداد اصلاحیه بعد از جشنواره در دولت قبل به ما دادند، چون پروانه نمایش این فیلم مربوط به دوره دولت آقای رئیسی بود، یک تعداد اصلاحات زمان جشنواره به ما دادند و یک تعداد هم در زمان گرفتن پروانه نمایش و ما همه را انجام دادیم.

■ اکران فیلم‌تان از ۲۰ آبان آغاز شده است؛ آیا تا امروز راضی بوده‌اید؟

من از فروش راضی‌م و در حد انتظار بوده، چون به هر حال چشم‌انداز من موقع ساخت این فیلم، ساختن یک فیلم با مختصات خاص خودش بود، بنابراین از یک سری جنبه‌ها که می‌توانست در داستان بیاید و فیلم را تبدیل به یک فیلم فوق‌العاده رکوردشکن و پرفروش کند، عمداً پرهیز کردم. الان از فروشی که دارد خیلی خیلی راضی‌ام و با توجه به کامنت‌ها و نظراتی که گرفتم، احساس می‌کنم مخاطب از تماشای فیلم راضی است. امیدوارم شرایطی پیش بیاید مخاطب فیلم را پیدا کند و ببیند؛ هر فیلمی مخاطب خاص خودش را دارد و این فیلم هم امیدوارم مخاطب خود را پیدا کند.

■ ژانر کمدی رمانتیک در عرصه سریال‌سازی جهانی و اساساً در سینمای جهان بسیار محبوب، فراگیر و تماشایی است اما در سینمای ایران این ژانر بسیار مهجور مانده است؛ نظراتان چیست؟ چرا در سینمای ایران این ژانر چندان یا نگرفت؟
 کمدی رمانتیک محبوب‌ترین گونه‌ای است که من دوست دارم و می‌پسندم. اگر بخواهم فیلم‌های محبوب خودم را لیست کنم، شاید چند تا از فیلم‌های صدر این لیست، فیلم‌های ماندگار کمدی رمانتیک باشند. فیلم اولم هم خیلی علاقه‌مند بودم این مدل را تجربه کنم و خیلی هم موفق بود. بعد چون آدم تجربه‌گرایی هستم رفتم سراغ مدل‌های دیگر سینما؛ با اینکه پیشنهادهایی هم در همان زمینه داشتم، علاقه‌مند نبودم همان تجربه را تکرار کنم. وقتی این پروژه به من پیشنهاد شد، اصرار داشتم فیلمنامه به گونه‌ای طراحی و نوشته شود و فیلم جوری ساخته شود که یک بار دیگر در سینمای ایران بتوانیم یک کمدی رمانتیک گرم و شیرین و باحال داشته باشیم که مسائل جوانان را مطرح می‌کند. تا حدود زیادی هم فکر می‌کنم فیلم به این هدف دست یافته است. اینکه

فیلم فقط ۲ محور دارد. فیلم یک زوج جوان و امروزی را محور داستان خود قرار داده که در مسیر زندگی‌شان با مشکلاتی مواجه هستند. این دغدغه‌ها درجات مختلفی دارد؛ خب طبیعی است یک زن و شوهر جوان نخستین مسأله‌شان چالش‌های اقتصادی در این دوره و زمانه است و این نگرانی که با توجه به شرایط موجود شاید نتوانند حتی از عهده زندگی خودشان بر بیایند، بنابراین آوردن یک فرزند در شرایطی که نمی‌توانند آینده‌اش را تأمین کنند، کار خردمندانه‌ای به نظر‌شان نمی‌رسد. این دیدگاهی است که در خیلی از قشر جوان ممکن است وجود داشته باشد. مسأله دوم که در فیلم اشاره شده تمایل به مهاجرت است اما موضوع اصلی فیلم این ۲ موضوع نیست؛ موضوع اصلی فیلم زمینه‌ها و ریشه‌هایی در جامعه است که باعث می‌شود جوانان کشور ما به چنین ایده‌هایی برسند که از دنیا آوردن فرزند پرهیز کنند، حتی از ازدواج کردن پرهیز و به مهاجرت فکر کنند. این مسائل بوده که من خواستم کمی به ریشه‌هایش اشاره کنم و یکی از اصلی‌ترین ریشه‌ها هم بی‌ثباتی اقتصادی موجود در جامعه است.

■ این ریشه‌ها که از آن سخن می‌گویید موضوعات تلخی است اما گویی در فیلم شما ژانر کمدی رمانتیک زهر ماجر را گرفته است.

درست است! هیچ‌وقت علاقه‌مند نبودم و نیستم فیلم سیاه بسازم، چون معتقدم اثری هنری اگر قرار باشد تأثیرش را بگذارد، چه روی مدیرانی و مسئولانی که به نظر من حتماً باید مخاطب چنین فیلم‌هایی باشند و چه روی مخاطب جوان، باید مسائل را در چارچوبی مطرح کند که قابل دیدن باشد. اساساً فکر اولیه ما ساختن یک فیلم اجتماعی تلخ و خیلی سیاه به آن معنا نبود. استراتژی‌ای که ما تعریف کرده بودیم ساختن یک فیلم اجتماعی کمدی رمانتیک بود که نشان بدهد اتفاقاً سرزندگی‌ها و شیرینی‌ها در دل این مشکلات ممکن است از بین بروند یا برعکس، از مسیر عشق در زندگی و موقعیت‌های جالبی که خودمان ایجاد می‌کنیم، می‌شود این سختی‌ها را قابل تحمل کرد.

■ مسیر انتخاب بازیگران چگونه بود؛ این ترکیب از پیش در ذهن شما بود؟

خیلی مسیر جالبی بود؛ اتفاقاً در این فیلم انتخاب



مسأله تسخیر لانه

یک رویداد تاریخی به همین ترتیب تبدیل به مسأله می‌شود. در این وضعیت با اینکه منطقاً ارائه یک روایت تاریخی با گزارش‌های مستند می‌تواند رویکردی درست برای مواجهه با مسأله طرح‌شده باشد اما می‌بینیم چنین کاری هنوز از کشش لازم برای حل معقول مسأله برخوردار نیست و گویی مخاطبان و شنوندگان چنین روایتی صرفاً یک اطلاع تاریخی درست‌تر یافته‌اند، بدون اینکه اثر سازنده چنین اطلاعاتی را در زندگی فعلی خود ببینند. تبیین مسأله اما از سنخی دیگر است. شاخص جدیدتری که رهبر انقلاب در این سخنرانی به آن اشاره کرد، اتخاذ رویکرد هویتی برای مواجهه با چنین مسأله‌هایی است. در رویکرد هویتی، مسأله تنها اطلاع‌رسانی و اقع ذهنی

که مولد انواع و اقسام عداوت‌ها، دست‌اندازی‌ها و تجاوزه‌ها به کشورهای ضعیف و مستضعف است. مستکبر بر مبنای ذات خودبرترپنیش به دنبال تسلیم ملت‌های ضعیف یا وابسته کردن کشورهای کوچک است. در مقابل ذات استقلال‌خواهی و اتکابه نفس ایرانیان در برابر بیگانه، به شکل مقاومت و تسلیم نشدن خود را متجلی می‌کند. بنابراین روایت هویتی، عرصه گزارش «تاریخ تسلیم کردن» و «تاریخ تسلیم نشدن» می‌شود و تبیین‌گر حال مستمر ملتی را تبیین می‌کند که با اعتماد به نفس، شجاعت و اراده قوی در برابر نیروی استکبار ایستاده و تاریخ موفقیت در برابر سلطه را با تمام تلخی‌ها و شیرینی‌ها جلو می‌برد.



نگاه

ادامه از صفحه اول
 رویداد مهمی مانند تسخیر لانه جاسوسی یکی از همان مقاطعی است که محل روایت‌های متکثر و چون و چراهای متعدد شده و همین اختلاف روایت، دستاویزی برای توجیه دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی شده است. همین اختلاف روایت موجب شده قرائت‌های درست و واقعی نیز پنهان بماند و صدا به صدا نرسد. در برخی موارد، خروجی این هیاهو، آن بوده که مقصر دشمنی آمریکا با ما، خودمان بوده‌ایم و همه عداوت‌ها از تسخیر لانه جاسوسی شروع شده است.